



رسانه‌های داخلی در یک نامه اعتراضی:

افغانستان در عرصه دسترسی به اطلاعات عقب‌گرد داشته است ارگ: از این اعتراض خفه نیستیم



کمیسیون حقوق بشر:

نزدیک به ۱۱ هزار غیرنظامی در سال ۲۰۱۹ کشته و زخمی شده‌اند

کمیسیون مستقل حقوق بشر کشور با نشر گزارش سالانه خود می‌گوید که در سال ۲۰۱۹ میلادی نزدیک به یازده هزار غیرنظامی در افغانستان کشته و زخمی شده‌اند.

این کمیسیون دیروز در یک نشست خبری در کابل، گزارش سالانه خود از تلفات غیرنظامیان را نشر کرد که این گزارش نشان می‌دهد تلفات غیرنظامیان در افغانستان در سال ۲۰۱۹ میلادی، ۷ درصد کاهش یافته است.

نعیم نظری معاون این کمیسیون گفت: «تعداد ۱۰ هزار ۷۷۲ غیر نظامی در جریان سال ۲۰۱۹ در افغانستان در جریان جنگ و حملات جان باخته‌اند».

آقای نظری گفت: «این قربانیان، ۶ هزار و ۸۴۵ مرد، ۲ هزار و ۶۹۶ طفل، ۹۷۴ زن را شامل می‌شوند که در جریان حملات طالبان، داعش، نظامیان دولتی و نیروهای خارجی، ماین‌های کنار جاده‌ای، پرتاب راکت‌ها از خاک پاکستان و از سوی افراد ناشناس کشته و زخمی شده‌اند».

او افزود: «مجموع این ارقام در مقایسه با سال قبل ۷ درصد کاهش تلفات غیر نظامیان در سال ۲۰۱۹ را نشان می‌دهد که از این میان در تلفات مردان ۱۳ درصد کاهش را نشان داده و مبین افزایش ۳ درصدی در تلفات زنان و کمتر از یک درصد افزایش در تلفات اطفال است».

بر اساس معلومات کمیسیون حقوق بشر، در سال ۲۰۱۸ میلادی، ۱۱ هزار ۷۰۰ غیر نظامی شامل زنان و کودکان در افغانستان کشته و زخمی شده بودند.

آقای نظری، طالبان را عامل ۷۱ درصد کل تلفات غیر نظامیان در سال ۲۰۱۹ توصیف کرده، گروه داعش، را عامل ۵ درصد تلفات غیرنظامیان و نیروهای دولتی و نظامیان خارجی را عوامل ۱۴ درصد کل این تلفات خواند.

با وجود این وی تصریح کرد که میزان تلفات ملکی در جریان حملات مخالفین ۲۷ درصد و در حملات نیروهای دولتی و نظامیان خارجی در جریان این سال ۴۴ درصد کاهش رونما شده است.

معاون کمیسیون حقوق بشر علاوه کرد که به شمول تلفات غیر نظامیان در جریان امسال نزدیک به ۵۸ هزار غیر نظامی در جریان ۱۰ سال گذشته کشته و زخمی شده‌اند.



چرا دسترسی به اطلاعات در افغانستان محدود شده است؟

باز و دموکراتیک در نهادهای دولتی و قوانین اعمالی و برداشته‌های دیوانسالارانه، دو عاملی اند که آزادی بیان و حق دسترسی به اطلاعات را در کشور به چالش کشیده‌اند. در مورد اول، سیاست اعمالی آقای غنی و حلقه نازک‌اندیش در حکومت‌داری او، سبب محدود کردن آزادی بیان شده است و در مورد دوم عدم تطابق قوانین فرعی و اداری با روح قانون اساسی کشور، عاملی بر محدودیت آزادی بیان و مانعی برای دسترسی به اطلاعات پنداشته می‌شوند. ...

درحالی‌که حق آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات از جانب دولت تهدید می‌شود، بحث مذاکرات صلح با طالبان نیز نگرانی‌هایی را برای رسانه‌ها ایجاد کرده که ممکن است در فرجام آن، آزادی بیان قربانی شود. اما اکنون که یک دولت متفاوت‌تر از طالبان بر افغانستان حاکم است، انتظار این است که آزادی بیان در شعاع صلح با طالبان ذوب نگردد. اما متأسفانه از یک طرف بی‌میلی برخی حلقه‌های دولت نسبت به آزادی بیان که منافع شخصی آن‌ها را صدمه می‌زند و از جانب دیگر عدم تعریف درست فضای

بخش ویژه کنترل

ویروس کرونا در کابل ایجاد شد

وزارت صحت عامه کشور، بخش ویژه کنترل ویروس کرونا را در سفارخانه افغان-جاپان در شهر کابل ایجاد کرد.

این بخش دیروز در کابل افتتاح شد که دارای صد بستر مجهز با تمام امکانات آماده گردیده است.

دکتر فیروزالدین فیروز وزیر صحت عامه، پیش‌گیری و کنترل ویروس کرونا را در کشور اولویت وزارت صحت عامه خوانده گفت:

«وزارت صحت عامه، این بخش را به منظور کنترل ویروس کرونا و جلوگیری از انتشار آن آماده نموده است. هم‌چنان در ولایات کشور نیز چنین تدابیر گرفته شده است.»

آقای فیروز بیان داشت که که خوشبختانه تا کنون هیچ واقعه مثبت این ویروس در کشور تثبیت نشده است و در صورت شیوع این ویروس، مبتلایان در این مرکز تحت مراقبت قرار می‌گیرند.

او گفت که بخش لابراتورهای این وزارت توانایی تشخیص ده نوع ویروس را دارد و دکترانی که در این بخش توظیف شده است، افراد متخصص و با تجربه اند.

از سوی هم، وزارت صحت عامه برای پیش‌گیری از این ویروس، تیم‌های صحتی را در فرودگاه‌های هوایی کابل، بلخ، کندهار و هرات که در آن پروازهای بین‌المللی صورت می‌گیرد توظیف نموده و مسافران را مورد ارزیابی قرار می‌دهند. هم‌چنان در مرزهای زمینی کشور نیز تیم‌های صحتی توظیف شده و مسافران را سکرینگ یا ارزیابی می‌کند.

این وزارت در کنار پیش‌گیری و کنترل این ویروس، برنامه‌های آگاهی‌دهی را در این زمینه نیز راه‌اندازی کرده است.

تب، سرفه و تنگی نفس از اعراض اولیه این ویروس می‌باشند. استفاده از ماسک، شستن دست‌ها با صابون و مواد ضد عفونی‌کننده و بلند بردن مقاومت بدن از موارد مهم وقایع در برابر این ویروس گفته شده است.

کمیسیون شکایات امروز راجع به ۳۰۰ هزار رأی جنجالی فیصله خواهد کرد؟

اختلاف روی بیش از ۳۰۰ هزار رأی جنجالی، روند انتخابات را به بن‌بست برده و اعلام نتیجه ابتدایی را هم به تأخیر انداخته بود. تقریباً تمام دسته‌های انتخاباتی خواهان ابطال این ۳۰۰ هزار رأی بودند/ هستند و آن را «تقلبی» و «غیرشفاف» می‌دانند. در این میان، تنها دسته انتخاباتی «دولت‌ساز» موضع روشن در این مورد نداشت/ندارد. دسته‌های انتخاباتی مخالف شمارش این ۳۰۰ هزار رأی مدعی اند که از میان این شمار رأی، ۱۳۷ هزار و ۶۳۰ آن «ناشناخته»، ۱۰۲ هزار و ۱۲ رأی خارج از زمان رای‌دهی ثبت و به صندوق‌ها ریخته شده و حدود ۵۰ تا ۷۰ هزار دیگر مشابه و یا تکراری اند که کمیسیون انتخابات آن را در جمع رأی‌های پاک اضافه کرده است.

هر نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری یک حساب کاربری دارند که از طریق آن، به شرکت «درمالوگ» شرکت برگزار کننده انتخابات ریاست‌جمهوری- وصل اند. این حساب کم و کیف آرا در شرکت درمالوگ را به صورت آنلاین و به موقع به نامزدان مخابره می‌کند. نامزدان معترض مدعی اند که وقتی تمام اطلاعات دستگاه‌های بایومتریک به «سرور مرکزی» شرکت درمالوگ افزوده شد و روند انتقال اطلاعات از دستگاه‌های بایومتریک رسماً پایان یافت، سایت این شرکت، ...

للمه صفحه ۳



روح‌الله بهزاد

مسئولان در کمیسیون شکایات انتخاباتی اعلام کرده اند که امروز چهارشنبه، ۱۵ جدی تصمیم و فیصله نهایی درباره شکایات از جمله ۳۰۰ هزار رأی جنجالی را اعلام خواهند کرد. آنان گفته اند که بیشتر این تصمیم‌گیری‌ها و فیصله‌ها درباره ۳۰۰ هزار رأی جنجالی است که براساس «قانون انتخابات، طرزالعمل‌ها، لویایح و در چارچوب موضوعات فنی» گرفته خواهد شد. مسئولان در این کمیسیون اطمینان داده اند که تصمیم کمیسیون شکایات مورد قبول «شهروندان» و «تیم‌های انتخاباتی» قرار خواهد گرفت.

چرا دسترسی به اطلاعات در افغانستان محدود شده است؟ سیاست اعمالی دولت و ساختار مفهومی محدودکننده آزادی بیان رفع کردند

در سال‌های اخیر در دولت وحدت ملی، حق آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات، روزگار خوشی ندارد. این که روز گذشته مسوولان رسانه‌ها در کابل طی یک گردهمایی خواستار ارزش‌گذاری حکومت به حق آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات شدند و دولت را مکلف دانستند که در خصوص مسایل مختلف پاسخ‌ده باشند، نشان از آن دارد که بی‌میلی دولت به آزادی بیان و گاه مانع‌تراشی در برابر آن، رسانه‌ها را به ستوه آورده است. برخی وزارتخانه‌ها و ریاست‌خانه‌های دولتی از دادن اطلاعات به رسانه‌ها خودداری می‌ورزند و حتا حکم‌ها و سلیقه‌هایی از طرف ارگ ارایه شده که برخی ادارات را از پرسش رسانه‌ها محفوظ ساخته است. همین‌گونه برخی از نهادهای دولتی در برابر اقدامات سوال‌برانگیز و فسادآلودی که انجام می‌دهند، اصلاً پاسخ‌ده نیستند و این شمای دولتی است که با حمایت جامعه جهانی در این نزدیک به بیست سال ایجاد و ادامه یافته است!

متأسفانه اقدامات سال‌های اخیر دولت در برابر رسانه‌ها و حق دسترسی به اطلاعات، بی‌توجهی به مقام رسانه به عنوان قوه بازدارنده فساد و همین‌گونه مانع شدن بسیاری از افراد و مسوولان نهادهای دولتی از گفت‌وگو با رسانه‌ها، همه و همه نشان از آن دارد که آزادی بیان در افغانستان از ارزش افتاده و این اقدامات، برداشت دیکتاتوران و سرکوب‌گرایانه از حکومت موجود را آینه‌داری کرده است. یعنی در کشوری که قانون اساسی دموکراتیک و متعهد به آزادی بیان درج است و ارزش‌های مرتبط با آزادی بیان لنگ‌لنگان پاس داشته شده است، اخیراً قصدی برای خاموش کردن این آزادی از مجاری رسمی با وضع ساختارهای اداری محدودکننده به‌راه افتاده است.

درحالی‌که حق آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات از جانب دولت تهدید می‌شود، بحث مذاکرات صلح با طالبان نیز نگرانی‌هایی را برای رسانه‌ها ایجاد کرده که ممکن است در فرجام آن، آزادی بیان قربانی شود. اما اکنون که یک دولت متفاوت‌تر از طالبان بر افغانستان حاکم است، انتظار این است که آزادی بیان در شعاع صلح با طالبان ذوب نگردد. اما متأسفانه از یک طرف بی‌میلی برخی حلقه‌ها در دولت نسبت به آزادی بیان که منافع شخصی آن‌ها را صدمه می‌زند و از جانب دیگر عدم تعریف درست فضای باز و دموکراتیک در نهادهای دولتی و قوانین اعمالی و برداشت‌های دیوان‌سالارانه، دو عاملی اند که آزادی بیان و حق دسترسی به اطلاعات را در کشور به چالش کشیده‌اند.

در مورد اول، سیاست‌های اعمالی آقای غنی و حلقه نازک‌اندیش در حکومت‌داری او، سبب محدود کردن آزادی بیان شده است و در مورد دوم عدم تطابق قوانین فرعی و اداری با روح قانون اساسی کشور، عاملی بر محدودیت آزادی بیان و مانعی برای دسترسی به اطلاعات پنداشته می‌شوند.

در افغانستان درحالی‌که قانون اساسی حامی آزادی بیان و اندیشه است و به تاسی از آن، قانون دسترسی به اطلاعات برای تطبیق این هدف وجود دارد؛ اما در رویه‌های کاری و ساختار مفهومی اداره، با توجه به روح استبدادی و تصلب اداری‌یی که از گذشته‌های دور باقی مانده است، ارایه اطلاعات امری خلاف پرنسیب اداری و نزدیک به «خیانت» تلقی می‌شود. هنوز قانون‌های فرعی ما حتا در عرصه حقوقی و قضایی در این امر با قانون اساسی همخوانی و تطابق نیافته‌اند و این مهم‌ترین مشکل مفهومی برای دسترسی به آزادی بیان است.

بنابراین انتظار داریم که هم دولت سیاست‌هایش را در قبال آزادی بیان عوض کند و به قانون برگردد، و هم ساختار و سیاست مفهومی اداره و رازداری به گونه‌یی تعدیل شود که در آن حق دسترسی مردم به اطلاعات که قانون آن وجود دارد، ضایع نگردد. در غیر این دو صورت، این حکومت به جایی می‌رسد که نمی‌تواند تفاوتی از امارت طالبان داشته باشد؛ مگر این که یک نسخه پیشرفته‌تر آن باشد!



آصف ایوبی
دانشجوی مقطع ماستری روابط بین‌الملل

دور دنیا در سال ۲۰۱۹

احداث خط انتقال برق ۵۰۰ کیلوولت از ازبکستان به افغانستان به امضا رسید.

اجلاس سران کشورهای عدم تعهد در باکو

در سال ۲۰۱۹ باکو میزبان دو اجلاس و همایش مهم بین‌المللی بود. نخست، اجلاس سران کشورهای عضو عدم تعهد با حضور سران ۶۰ کشور که موضوع آن «پاسخ مشترک و مناسب به چالش‌های جهان امروز» بود و دوم، اجلاس «کمیته میراث جهانی سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد» با حضور ۱۸۰ کشور.

تظاهرات در آفریقا و آسیا

تظاهرات مردمی در سودان که زنان نقش مهمی در آن داشتند، منجر به سقوط حکومت دیکتاتوری عمرالبشیر شد. تظاهرات هنگ‌کنگ که به تظاهرات علیه لایحه استرداد هنگ‌کنگ نیز شناخته می‌شود نیز یکی از اتفاقات مهم دیگر در سال ۲۰۱۹ شمرده می‌شود. اعتراضات سراسری مردم ایران که با افزایش سه‌برابری قیمت نفت آغاز و سپس به اعتراض به کل سیاست‌های حاکمیت تبدیل شد، در نوع خود از بُعد گسترده‌گی و میزان تلفات جانی طی تاریخ معاصر این کشور کم‌سابقه بود.

انتخاب یک کم‌دین به عنوان رئیس‌جمهور اوکراین

انتخاب یک کم‌دین به عنوان رئیس‌جمهور اوکراین، یکی از مهم‌ترین خبرهای سیاسی سال ۲۰۱۹ به شمار می‌رود. در دور دوم انتخابات اوکراین، ولادیمیر زلنسکی، کم‌دین اوکراینی و خادم حزب مردم، طی یک پیروزی فوق‌العاده توانست ششمین رئیس‌جمهور این کشور شود. او با کسب ۷۳ درصد آرا پترو پوروشنکو را شکست داد.

نتیجه‌گیری

آنچه گفته شد، شمایی از حوادث مهم سال گذشته میلادی است که سرخ‌های مهمی از تحولات سیاسی در عرصه بین‌الملل در سال ۲۰۲۰ به دست می‌دهد. سیاست بین‌الملل در سال ۲۰۱۹ دشواری‌های فراوانی را تجربه کرده و مسلماً بخشی از این دشواری‌ها گریبان سال ۲۰۲۰ را خواهد گرفت و تحولات بزرگ‌تری را برای سال ۲۰۲۱ نوید یا هشدار می‌دهد.

تقابل نزدیک به جنگ ایران و آمریکا

حمله به کشتی‌ها در دریای عمان، حمله به تأسیسات نفتی عربستان و نیز اقدام تهران در سرنگونی پهپاد امریکایی، از جمله مهم‌ترین رویدادها در سال گذشته محسوب می‌شوند که به نحو بی‌سابقه‌یی احتمال برخورد نظامی در منطقه خلیج فارس را افزایش دادند. تشدید تحریم‌های امریکا علیه ایران نیز در سرخط خبرهای سال گذشته قرار داشت. بدون شک می‌توان گفت که این تحریم‌ها تأثیرات مستقیمی بر جامعه ایران و سوق دادن نامیدی ناشی از آن به سمت جنگ خواهد داشت.

عربستان و اتخاذ سیاست خارجی جمعی

عربستان سعودی به عنوان یکی از بازیگران منطقه خاورمیانه در طول دهه‌های گذشته به داشتن رویکردی محافظه‌کارانه در سیاست خارجی مشهور بوده و عمدتاً به عنوان بازیگر طرفدار وضع موجود و مخالف تغییر شناخته شده است؛ اما در طول دو سال اخیر رفتارهای عربستان سعودی در عرصه منطقه‌یی نشانگر عبور این کشور از سنت محافظه‌کاری در سیاست خارجی و تعقیب سیاست خارجی تهاجمی بوده است. حمله نظامی تمام‌عیار به یمن، حضور فعال و گسترده در بحرین سوریه و تلاش‌های مقابله‌جویانه در برابر ایران، همگی نشان‌دهنده این است که عربستان وارد مرحله متفاوت و جدیدی در سیاست خارجی خود شده است.

نشست کابل و امیدواری به آینده اقتصادی افغانستان

در سال ۲۰۱۹ چند اتفاق مهم اقتصادی برای افغانستان رقم خورد که از آن جمله برگزاری نشست کابل بود که در آن، توسعه روابط اقتصادی و تجاری، امور زیربنایی و صلح و ثبات میان مقامات افغانستان و نماینده‌گان پنج کشور آسیای میانه (تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان، قیرقزستان و قزاقستان) طی یک بیانیه مشترک به تصویب رسید. نخستین محموله ترانزیتی «راه لاجورد» - که افغانستان را از طریق ترکمنستان، آذربایجان، گرجستان، دریای سیاه، ترکیه، دریای مدیترانه به اروپا متصل می‌کند - برای ارسال به اروپا به استانبول رسید. همچنان در این سال قرارداد

پیش‌گفتار

امروزه بیش از هر دوره‌یی، جهان با تهدیدات عینی و وجودی مواجه شده است: سیاره‌یی دایماً در حال گرم شدن، افزایش جنگ‌ها و مهاجرت‌ها، دموکراسی‌های در معرض سقوط، افزایش تعصبات و دیگرهراسی‌ها و... در چنین شرایطی در سال میلادی‌یی که گذشت، اتفاقات مهمی در عرصه روابط بین‌الملل رخ داده که در تاریخ جهان ماندگار خواهند شد. این رویدادها در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی، اجتماعی و هنری به وقوع پیوسته‌اند و اثرات جدی‌یی در زیست اجتماعی انسان‌ها خواهند گذاشت. در این نگاشته، به بخش مختصر اما مهمی از این حوادث خواهم پرداخت.

جنگ تجاری میان آمریکا و چین

اقتصاد سرمنشای هستی انسان‌هاست و تمام دولت‌ها در عرصه روابط بین‌الملل در تلاش کسب منفعت اقتصادی بیشتر به سود کشور خود هستند و در این میان، قدرت‌های بزرگ بیش از سایر دولت‌ها بر اهمیت و حساسیت عرصه اقتصاد واقف هستند. از مهم‌ترین رویدادهای اقتصادی‌یی که در سال گذشته رخ داده است، می‌توان به جنگ تجاری میان آمریکا و چین اشاره کرد. جنگ میان آمریکا و چین که از سال ۲۰۱۸ به واسطه اقدامات دولت ترامپ آغاز شده بود، در سال ۲۰۱۹ شدت یافت و این رویداد جزو مهم‌ترین و اصلی‌ترین حوادث عرصه روابط بین‌الملل به حساب می‌آید. این رویداد نشان می‌دهد که آمریکا از رشد فزاینده اقتصاد چین نگران است!

خروج ابرقدرت‌ها از پیمان منع موشک‌های هسته‌یی

از منظر حقوق بین‌الملل، یکی از بارزترین تحولات در سال ۲۰۱۹، خروج آمریکا و به دنبال آن روسیه به صورت رسمی از پیمان منع موشک‌های میان‌برد هسته‌یی بوده است.

بخشش بلندی‌های جولان به اسرائیل

یکی از اتفاقات مهم در سطح منطقه و بین‌الملل این بوده که بلندی‌های جولان به صورت یک‌جانبه از طرف آمریکا به اسرائیل بخشیده شد و با این کار بدعت جدید و خطرناکی در روابط بین‌الملل پایه‌گذاری شد.



صورت مسلکی باورمند نباشند و این مسأله ارایه اطلاعات فوری به خبرنگاران را با مشکل رو به رو کرده است.

این در حالی است که دولت افغانستان به تاریخ هفتم دلو به شکل رسمی عضو «ایتلاف حمایت از آزادی رسانه‌ها» شده است. با امضای این سند، افغانستان سی و پنجمین کشوری است که عضویت این ایتلاف جهانی را به دست آورد.

ایتلاف جهانی حمایت از آزادی رسانه‌ها، در تابستان سال ۲۰۱۹ میلادی در شهر لندن پایتخت بریتانیا به وجود آمد که طی یک سال گذشته، ۳۴ کشور جهان عضویت این ایتلاف را به دست آوردند.

بنای یادبود از خبرنگاران در ماه جدی سال ۲۰۱۶ توسط رییس اجرایی در حضور داشت، مقامات دولت افغانستان در ساحة حوزه دوم شهر کابل (پل باغ عمومی) افتتاح شده، اما تا هنوز که نزدیک به چهار سال از این کار می‌گذرد هیچ اقدامی برای ساخت و ساز این بنا از سوی دولت برداشته نشده است.

برخی از مسوولان رسانه‌های در این نشست با انتقاد از حکومت می‌گویند که در بیش از پنج سال عمر حکومت وحدت ملی، رهبری حکومت و همچنان نهادهای مسوول هیچ اقدامی برای آغاز کار این بنا نکرده‌اند.

روزنامه ماندگار، تلویزیون طلوع نیوز، تلویزیون آریانا نیوز، تلویزیون شمشاد، تلویزیون یک، تلویزیون خورشید، تلویزیون تمدن، تلویزیون کابل نیوز، تلویزیون زن، تلویزیون نورین، تلویزیون ژوندون، تلویزیون آرزو، تلویزیون میوند، رادیو کلید، رادیو سلام و پندار، رادیو سپوزمی، روزنامه اطلاعات روز، روزنامه ۸ صبح، روزنامه ویسا، روزنامه صبح کابل، آژانس خبری پژواک، خبرگزاری زنان افغان، خبرنامه، تلویزیون هیواد (قندهار)، رادیو زما (قندهار)، تلویزیون پیکان (بلخ)، رادیو آزاد (بلخ)، تلویزیون عصر (هرات)، رادیو مزده (هرات) و تلویزیون زال در ننگرها از رسانه‌های معترض‌اند.

خبرنگاران را ایجاد کرد و ۱۰۱ مورد با خانواده شهدای اصل رسانه کمک صورت گرفته است و ۳ میلیون ۹۰ هزار افغانی برای خانواده نیازمند اهل رسانه‌ها کمک کرده است.

آقای عمر گفت که آزادی بیان، آزادی زنان و رسانه‌های از خط قرمز حکومت در مذاکرات صلح است. توشیح قانون دسترسی به اطلاعات، کمیسیون دسترسی به اطلاعات، کمیته مشترک مصونیت خبرنگاران و صندوق حمایت از رسانه‌ها - خبرنگاران از مواردی است که دولت به آن توجه کرده است.

این مشاور ریاست حکومت وحدت ملی گفت که از این نامه اعتراضی خفه نیستند و تلاش می‌کنند به مشکلات مطرح شده رسیده‌گی صورت بگیرد. همچنین، ریاست اجرایی حکومت وحدت ملی با اشاره به نشست اعتراضی رسانه‌ها گفته است که آزادی بیان و رسانه‌های آزاد، یکی از مهم‌ترین دست‌آوردهای ملی مردم افغانستان است و حراست و پاسداری از این دست‌آورد ملی، وظیفه و مسوولیت ما به حیث شهروندان و مسوولان دولتی می‌باشد.

در خبرنامه ریاست اجرایی آمده است که بر بنیاد قانون اساسی، قانون حق دسترسی به اطلاعات و سایر قوانین، نهادهای دولتی موظف و مکلف هستند که اطلاعات را با رسانه‌ها و شهروندان شریک سازند. با درک نگرانی‌ها و چالش‌های کار رسانه‌ها و خبرنگاران، به تمام نهادهای دولتی تاکید می‌نمایم تا در بخش ارایه اطلاعات به رسانه و شهروندان کشور همکاری نمایند؛ زیرا به گفته سپیدار، عصر کتمان حقایق، پنهان‌کاری، تحریف و سانسور به‌سر رسیده است.

در همین حال، کمیسیون دسترسی به اطلاعات، می‌گوید: شمار از سخنگویان نهادهای دولتی غیر مسلکی هستند و به ارزش‌های آزادی بیان باور ندارند.

عین‌الدین بهادری رییس کمیسیون دسترسی به اطلاعات، می‌گوید که برخی از سخنگویان حکومت غیرمسلکی‌اند، این سخنگویان ممکن است به ارزش‌های آزادی بیان به

رسانه‌های داخلی در یک نامه اعتراضی: افغانستان در عرصه دسترسی به اطلاعات عقب‌گرد داشته است

ارگ: از این اعتراض خفه نیستیم

ابوبکر صدیق

تصویر عبدالرشید دوستم، معاون اول ریاست حکومت وحدت ملی حذف شده بود.

در این نامه با اشاره به محدودیت دسترسی به اطلاعات تذکر رفته است که «بی‌تفاوتی و برخورد فریبنده» دولت در عرصه دسترسی به اطلاعات، به یک امر عادی بدل شده است و مشکل دسترسی به اطلاعات در «سراسر» نهادهای دولتی چشم‌گیر است.

نی یا نهاد حمایت‌کننده رسانه‌های آزاد افغانستان با اشاره به نشست اعتراضی مسوولان رسانه‌های کشور گفته است که بیشتر از ۳۰ رسانه مطرح کشور و ۱۸ نهاد رسانه‌یی وضعیت موجود در زمینه دسترسی به اطلاعات را تهدید جدی به آزادی بیان خوانده و از دولت، جامعه جهانی خواستند که به رفع این مشکل اقدام کنند.

نهاد نی هرگونه محدودیت دسترسی به اطلاعات را خلاف قوانین نافذ کشور می‌داند و از خواست رسانه‌ها برای تأمین دسترسی به اطلاعات مجدانه حمایت می‌کند.

عبدالمجیب خلوتگر، رییس اجرایی نی حمایت‌کننده رسانه‌های آزاد افغانستان می‌گوید: وضعیت دسترسی به اطلاعات از پنج سال بدین سو رو به وخامت نهاده است و ما در حالت بحرانی ای قرار داریم. آقای خلوتگر گفت «اگر دسترسی به اطلاعات وجود نداشته باشد ماهیت رسانه به‌عنوان یک ابزار آزادی بیان از بین می‌رود».

همزمان باین، مسوولان در ریاست حکومت وحدت ملی در واکنش به این نامه اعتراضی رسانه‌های کشور می‌گویند که سخنگویان ارگ در یک سال گذشته ۱ هزار و ۳۷۸ مورد با رسانه‌ها اطلاعات ارایه کرده‌اند که از این میان ۷۸۰ مصاحبه تلفنی، ۱۰۳ اطلاعات، ۵۴ میز گرد، ۸ کنفرانس و ۱۸۰ کلیپ خبری بوده است.

وحید عمر، مشاور فرهنگی و امور استراتژیک ریاست حکومت وحدت ملی عصر دپروز در یک نشست خبری گفت: حکومت به پاس‌داری از آزادی بیان متعهد است و تا هنوز به ۱۷۲ پرونده مرتبط به خبرنگاران در نهادهای عدلی و قضایی رسیده‌گی شده است و ۲۷ پرونده کمیته مشترک مصونیت خبرنگاران به دادستانی فرستاده است، ۱۲ پرونده نهایی شده است، ۱۵ پرونده در حال رسیده‌گی قرار دارد.

آقای عمر گفت که حکومت صندوق حمایت از

رسانه‌های داخلی در یک نامه اعتراضی نسبت به «محدودیت شدید دسترسی به اطلاعات» از سوی دولت انتقاد کرده و می‌گویند که آزادی بیان در افغانستان عقب‌گرد داشته است.

مسوولان این رسانه‌ها دیروز سه‌شنبه ۱۵ دلو، در محلی که قرار بود بنای یادبود خبرنگاران (بنای آزادی) آنجا ساخته شود، تجمع اعتراضی برپا کردند.

مسوولان رسانه‌ها در این حرکت اعتراضی از دولت، جامعه جهانی و نهادهای حامی حقوق رسانه‌ها خواستند که در عرصه تحقق حق دسترسی به اطلاعات و حمایت از رسانه‌ها تلاش کنند تا به این ترتیب سیر آزاد معلومات، آزادی بیان، رسانه‌ها و دموکراسی جوان حفظ شود.

در این نامه اعتراضی که به زبان‌های فارسی و پشتو توسط دو عضو این تجمع به خوانش گرفته شد، آمده است که افغانستان در عرصه دسترسی به اطلاعات در سال‌های اخیر عقب‌گرد داشته است و رسانه‌ها نگران «بدتر شدن» این وضعیت هستند.

در این نامه که فهرست ۳۰ رسانه داخلی ذکر شده است، افغانستان به عنوان مرگ‌بارترین کشور برای خبرنگاران توصیف شده است. به باور مسوولان رسانه‌ها، به رغم خشونت‌هایی که علیه خبرنگاران وجود دارد، رسانه‌های افغانستان «آزادترین رسانه‌ها» در منطقه‌اند، اما چالش‌ها فراروی دسترسی به اطلاعات، این دست‌آورد را با خطر رو به رو کرده است.

در نامه اعتراضی رسانه‌ها هم‌چنان دولت متهم شده است که به قانون «حق دسترسی به اطلاعات» و حمایت از رسانه‌های آزاد برخورد دو پهلو دارد.

در این نامه به صورت مشخص از نهادهای چون دادگاه عالی، دادستانی کل، امنیت ملی، اداره تدارکات ملی، دفتر رییس جمهوری، وزارت امور خارجه، وزارت مالیه، بانک مرکزی، وزارت دفاع ملی، وزارت امور داخله و وزارت صحت عامه به عنوان بسته‌ترین نهاد نام برده شده است.

در این نامه به سانسور تصویری که از جریان نشست «الحاق افغانستان به ایتلاف جهانی حمایت از آزادی رسانه‌ها»، از سوی دفتر سرور دانش، معاون دوم ریاست حکومت منتشر شد، به عنوان تازه‌ترین مورد از برخورد دوگانه دولت اشاره شده است. دفتر سرور دانش، عکسی را از حاشیه این نشست منتشر کرد که در آن

کمیسیون شکایات امروز راجع...

مجموع آرای استفاده شده بایومتریک را یک میلیون و ۷۹۱ هزار و ۷۰۳ رأی نشان داد، اما بیش از یک هفته بعد، کمیسیون انتخابات مجموع آرای استفاده شده بایومتریک را یک میلیون و ۹۲۹ هزار و ۳۳۳ رأی اعلام کرد که افزایش ۱۳۷ هزار و ۶۳۰ رأی و اختلاف در مجموع آرا بین کمیسیون انتخابات و شرکت درمالوگ را نشان می‌دهد. نامزدان معترض ادعا دارند که رای‌های افزوده شده «تقلبی» و «بی‌اعتبار» است و باید باطل شود.

شرکت درمالوگ اعلام کرد که این تفاوت به دلیل انتقال اطلاعات دستگاه‌های احتیاطی به سیستم مرکزی به میان آمده است. کمیسیون انتخابات هم در یک گزارش مفصل دلایل این تفاوت را تشریح کرد و آن را ناشی از «مشکلات تخنیکی» خواند. اما دسته‌های انتخاباتی معترض، استدلال کمیسیون را نپذیرفتند و ۱۳۷ هزار رأی را ناشی از تقلب «سازمان‌یافته» به نفع دسته انتخاباتی «دولت‌ساز» خواندند و تأکید بر باطل شدن آن کردند. نامزدان معترض گفتند که پس از حدود ده روز از پایان رسمی روند انتقال اطلاعات دستگاه‌های بایومتریک به سرور مرکزی، جزئیات این ۱۳۶ هزار رأی با آنان شریک نشده بود. نامزدان معترض همچنان می‌گویند که گزارش دستگاه‌های ریزرفی یا احتیاطی در ولایت‌ها به ناظران‌شان نیز نرسیده است. اما با همه این

مخالفت‌ها، کمیسیون انتخابات فیصله به اعتبار این رای‌ها کرد و آن را شامل سقف مجموعی آرا نمود.

۱۱۰ هزار و ۱۲ رأی دیگر از این ۳۰۰ هزار رأی، خارج از زمان خوانده شده که در ۳۴ ولایت اتفاق افتاده است. گزارش تخنیکی کمیسیون انتخابات نشان می‌دهد که برخی این آرا از تاریخ ۲۳ دلو سال ۱۳۹۷ تا ۲۵ قوس ۱۳۹۸ در دستگاه‌های انگشت‌نگاری ثبت شده است. این گزارش اما حاکی است که بیشترین آرای ثبت شده در این دستگاه‌ها تاریخ پنجم، ششم و هفتم ماه میزان را نشان می‌دهد. آمارهای دستگاه‌های انگشت‌نگاری همچنان نشان می‌دهد که حدود ۲۳ هزار و ۱۹۷ رأی در پنجم میزان، ۶۸ هزار و ۸۵۱ رأی در ششم میزان و ۸ هزار و ۷۶۲ رأی دیگر در هفتم میزان ثبت شده است.

اما دسته‌های انتخاباتی با استناد به قانون انتخابات می‌گویند که آرای که پیش و یا پس از زمان رسمی رای‌دهی در دستگاه‌ها ثبت شده‌اند، بی‌اعتبار و باطل‌اند، اما کمیسیون انتخابات در مقابل استدلال می‌کند که تفاوت زمان در دستگاه‌های رای‌دهی ناشی از اشتباه تخنیکی بوده است. کمیسیون می‌گوید تاریخ دستگاه‌ها از سوی کارمندان درست تنظیم نشده بود و به همین خاطر چنین تفاوتی به میان آمد. در مورد این رای‌ها نیز کمیسیون فیصله‌یی صادر کرد و

و نامزدان انتخابات هیچ تفاهم و بحثی صورت نگرفته است.

با این وجود، از میان تمام دسته‌های انتخاباتی یازدهم دسته به‌ویژه دسته انتخاباتی «ثبات و همگرایی» به رهبری عبدالله خواستار ابطال ۳۰۰ هزار رأی هستند. دو دسته پیش‌تاز انتخاباتی «ثبات و همگرایی» و «دولت‌ساز» نیز دیدگاه متفاوت در مورد این رای‌ها دارند. «ثبات و همگرایی» خواهان ابطال است، اما «دولت‌ساز» ظاهراً راضی به ابطال نیست و تأکید بر پذیرش تصمیم کمیسیون انتخابات دارد. موقف ناروشن دسته دولت‌ساز هم می‌رساند که این رای‌ها به نفع این تیم باشد، زیرا به بخش زیاد این رای‌ها اعتبار داده شده است.

اکنون که توپ در میدان کمیسیون شکایت‌های انتخاباتی است، چشم‌ها هم همه به فیصله این نهاد بسته شده است. بسیاری به این باور اند که اگر ۳۰۰ هزار رأی معتبر شناخته شود، «دولت‌ساز» انتخابات را می‌برد و در مقابل، اگر بی‌اعتبار شناخته شود، «ثبات و همگرایی» خواهد برد. اما در این میان عده‌یی هم هستند که معتقد اند، اگر کمیسیون انتخابات نیمی از این رأی‌ها را هم باطل کند، انتخابات به دور دوم بین دو دسته پیش‌تاز می‌رود؛ و اگر چنین شود، به دلیل ناامنی، گفت‌وگوهای صلح و وضعیت اقلیمی، انتخابات در ماه‌های نزدیک برگزار نمی‌شود و به سال ۱۳۹۹ موکول خواهد شد.

این ۱۱۰ هزار و ۱۲ رأی را اعتبار داد. کمیسیون بازم دلیل را «تخنیکی» و «ناشی از تنظیم نادرست ساعت ماشین دستگاه‌های بایومتریک» خواند. در این میان، شرکت درمالوگ چون تنظیم دستگاه‌ها بایومتریک از مسوولیت‌هایش نبود، در این زمینه اظهار نظر نکرد.

در عین حال، ۵۰ تا ۷۰ هزار رأی مشابه و یا تکراری باقی می‌ماند که به گفته مسوولان در کمیسیون انتخابات، شرکت درمالوگ ۸۶ هزار و ۲۲۶ رأی را بر اساس PR کد تکراری، نشان انگشت تکراری، استیکر تکراری، عکس تکراری، عکس زیر سن، عکس از روی عکس شناسایی و باطل اعلام کرده است. دسته‌های انتخاباتی ادعا دارند که شرکت درمالوگ «معیار تشخیص شباهت اطلاعات بایومتریک» را ۵۰ درصد در نظر گرفته بود، اما کمیسیون انتخاباتی از شرکت درمالوگ خواسته تا «معیار تشخیص شباهت اطلاعات بایومتریک» را ۶۵ درصد در نظر بگیرد. دسته‌های انتخاباتی می‌گویند که با این وجود، اگر معیار تشخیص شباهت اطلاعات ۵۰ درصد در نظر گرفته شود، ۵۰ تا ۷۰ هزار رأی باطل می‌شود و اگر معیار ۶۵ درصد گرفته شود، ۴۷ هزار رأی باطل می‌شود که از سوی کمیسیون انتخابات و شرکت درمالوگ چنین نیز شده است. اما تفاوت ۵۰ تا ۷۰ هزار رأی در این است که در این زمینه پیش از برگزاری انتخابات بین کمیسیون انتخابات-شرکت درمالوگ

مقدمه

هدف این مقاله، تشریح فرضیات اصلی رویکرد اجتماعی - اقتصادی به مدیریت (Socio Economic Approach to Management SEAM) و بحث درباره وجود عملکردها و هزینه‌های پنهان که به علت ناهمگنی و وجود مغایرت‌های بی‌شمار در شرایط کار پدید آمده‌اند. منظور این است که به مدیران نشان دهیم که چگونه می‌توان برای غلبه بر مشکلات عملیاتی و تشخیص ناهمگنی‌های محیط کار، از رویکرد اجتماعی اقتصادی به مدیریت کمک گرفت. رویکرد اجتماعی - اقتصادی به مدیریت به ساده‌سازی شرایط محیط کار با استفاده از ابزارهای مدیریتی اشاره دارد. با توجه به این رویکرد، سعی می‌شود تا ناآشکار بودن بسیاری از هزینه‌ها و عوامل موفقیت مشخص شده و تأکید شود که نمی‌توان تنها با اتکا بر یک رشته این موارد پنهان را دوباره سامان‌دهی کرد. در این مقاله می‌خواهیم منشأ و خاستگاه این قسمت پنهان را بیشتر شفاف کنیم. توضیحات ما بر مبنای ایجاد ارتباط میان ناهمگنی‌ها و مغایرت‌هاست. در این مقاله به تشریح ساده‌سازی شرایط کار و ساده‌سازی انسان خواهیم پرداخت. سعی داریم تا نشان دهیم که اگرچه ظاهراً افزودن دوباره این ویژگی‌ها به ابزارهای مدیریت از دیدگاه اپیستمولوژی (معرفت‌شناسی) بسیار دشوار است؛ ولی مایلم که بر این واقعیت نیز تأکید کنیم که ساده‌سازی الزامی است، زیرا سبب کاهش نگرانی شده و به‌عنوان دفاع در کار و زندگی ضروری است. ما با توجه به اهمیت وجود پیچیدگی‌ها، عمیقاً درک کرده‌ایم که چگونه می‌توان با به‌کارگیری نظریه‌ها، مدل‌ها و توضیحاتی به ساده‌سازی حقایق پرداخت، ولی این مسأله بیشتر جنبه دانشگاهی دارد؛ زیرا بر چگونگی کار شرکتها بی‌تأثیر بوده یا اثر اندکی دارد. اگر تحلیل و تشخیص موضوع پیچیدگی ضروری است، پس باید برای طراحی مدل‌ها و ابزارهای جدیدی که مسأله را مستقیماً برای مدیران بیان می‌کنند، تلاش کافی صورت گیرد.

رویکرد اجتماعی اقتصادی به مدیریت با شرح یکی از تیوری‌های پیچیدگی و ایجاد ابزارهای مناسب فعالیت در این زمینه به دو مورد اخیر می‌پردازد. علاوه بر این، از ساده‌انگاری و خوش‌بینی بیش از اندازه در مورد پیچیدگی نیز خودداری می‌کند. این رویکرد بر ویژگی‌های ناکامل و متعارض شرایط نیز تأکید دارد. (ساوال و زارده ۱۹۹۵ ص ۳۵)

ما باید ارتباط بین پیچیدگی و تعارض و نقش آن در رویکرد اجتماعی - اقتصادی را دوباره تعریف کنیم. بنابراین برای ایجاد ارتباط بین این دو مفهوم چهارچوبی نظری را بر اساس مفهوم ناهمگنی ارائه خواهیم داد.

با یک فرضیه اصلی شروع می‌کنیم مبنی بر این که بیشتر مدل‌ها، انسان را بیش از اندازه ساده در نظر می‌گیرند. پرسش این است که چگونه می‌توانیم ابزارهای مدیریتی‌بی به وجود آوریم که این گونه عمل نکنند؟

پاسخ، دقیقاً همان هدف رویکرد اجتماعی - اقتصادی است. از انسان آغاز کنیم و وی را آن‌گونه که هست در نظر می‌گیریم (پیچیده و غیرقابل پیش‌بینی) و روشی ایجاد می‌کنیم که تمامی ویژگی‌های شرایط کار را شفاف سازد. فرضیه رویکرد اجتماعی - اقتصادی بر این است که بسیاری از این ویژگی‌ها (به‌ویژه سلامتی و شرایط اجتماعی) در ابزارهای حسابداری و گزارش‌دهی معمولی یا پنهان هستند و یا نادیده گرفته شده‌اند. (ساوال و زارده ۱۹۹۲)

بنابراین، هدف رویکرد اجتماعی - اقتصادی بررسی روش‌های مدیریتی جدیدی است که بهبود سازگاری بین اهداف اقتصادی و اجتماعی شرکت‌ها را میسر گرداند. (ساوال ۱۹۹۷). در این رویکرد اصل موضوع چنین فرض شده که اگر نتوانیم بین اهداف اجتماعی و اقتصادی تعادل ایجاد کنیم، دچار هزینه‌های پنهان خواهیم شد. در این جا می‌خواهیم دشواری ایجاد تعادل را از نظر شناخت و از نظر عمل نشان دهیم. زیرا (و فرض ما نیز باید برای باشد که) ماهیت این اهداف با یکدیگر متفاوت (نامتجانس یا ناهمگن) است و بدین علت با هم درج‌دل (مغایرت) هستند.

بنابراین، باید نحوه به‌کارگیری رویکرد اجتماعی - اقتصادی در درک ناهمگنی و مغایرت‌ها را بررسی کنیم.

ناهمگنی و منطق‌های چندگانه

نظریه‌پردازان سیستمی همواره بر این موضوع تأکید داشته‌اند که دیدگاه تحلیلی، پیوستگی حوزه‌هایی

را نادیده می‌گیرد که از نظام‌های مرتبط تشکیل شده‌اند. (به عنوان نمونه فون برتالانفی و چاپرول - ۱۹۷۳). آنها اثرات سیستمی دیگری از این ارتباطات را برای ما شفاف کرده‌اند. با وجود این، تصور می‌کنیم که برای این واقعیت نیز اهمیت کافی قایل نشده‌اند که در درون نظام‌های متفاوت. عناصری با ماهیت‌ها، ساختارها و نقش‌های بسیار مختلف با یکدیگر همزیستی دارند.

این اختلافات چیزی را به وجود می‌آورند که می‌توانیم آن را دقیقاً به عنوان همزیستی منطق‌های متفاوت شناسایی کرده و ناهمگنی بنامیم.

ما سه سطح از ناهمگنی‌ها را شناسایی کرده‌ایم:

۱ - ناهمگنی شرایط (کار)؛

۲ - ناهمگنی ارتباط بین کارکنان و وظایف ایشان؛

۳ - ناهمگنی درونی انسان.

حال به بررسی تک تک آن‌ها می‌پردازیم:

۱ - ماهیت غیرمعارف ناهمگنی‌ها و شرایط

مدیریت: شرایط کار مدیریت عناصر کاملاً

متفاوت همچون انسان، ماشین، وابستگی به زمان و امور موقتی، محدودیت‌های مکانی و غیره را با هم ترکیب می‌کند. (گیرین ۱۹۸۳). این موارد را به عنوان موارد ناهمگن، گسسته و نامربوط (یعنی بدون منطق داخلی) و سردرگم (یعنی مواردی که درک و تحلیل کلیت آنها میسر نیست) تعریف می‌کنند.

۲ - کار را نمی‌توان به طور کامل تعیین کرد: همان‌گونه که بسیاری از محققان (یعنی ساوال ۱۹۸۰، تریو ۲۰۰۲، و بیشتر ارگونومیست‌ها (۱) کازامیان ۱۹۹۶) نشان داده‌اند، کارکنان هرگز آنچه را که دقیقاً قرار است انجام دهند، انجام نمی‌دهند. این امر فقط به دلیل بد بیان شدن کارها برای ایشان اتفاق نمی‌افتد، بلکه به دلیل این واقعیت است که انسان را نمی‌توان به‌طور کامل به نقش کاری وی محدود کرد. ما (انسان‌ها) ماشین نیستیم. همواره بین آنچه که تعیین شده (آنچه که از کارگر خواسته شده تا انجام دهد)

و برداشت کارگر از آنچه که باید انجام دهد، تفاوت‌هایی وجود دارد. این فاصله اختلاف بین انسان و ماشین و یا بر اساس اصطلاحات مارکس بین کار جاندار و کار بی‌جان را عینیت می‌بخشد. ۳ - تضادها و تعارضات درونی انسان: انسان‌ها حتی اگر در بروز شرایط و اهداف خود (یعنی منطق محدود به عنوان مثال مارچ و سیمون ۱۹۸۵، تریو ۲۰۰۲، یانسن ۱۹۹۸) عقلانی هم رفتار کنند، باز تحت تأثیر تضادها و تعارضات درونی خود قرار دارند. این تعارضات از نمونه‌های مهم علم روانکاو به‌شمار می‌روند و عبارت‌اند از: دوست داشتن و بیزارگی، عشق و نفرت، نیاز و وحشت و غیره. بنابراین، مدیران باید با ناهمگنی‌های مربوط به این سه سطح مختلف روبه‌رو شوند.

ناهمگنی و مغایرت

ناهمگنی برای ما به مفهوم همزیستی منطق‌های متفاوت در کنار یکدیگر است. ولی ممکن است

رویکرد اجتماعی - اقتصادی به مدیریت



برگردان: علی‌پور قاسمی

بخش نخست

درک منطق‌های مکمل نسبت به دیگر موارد آسان‌تر است. به عنوان مثال می‌توان به همکاری دو فرد متفاوت اشاره کرد. به عنوان نمونه، می‌توان با استفاده از رویکرد اجتماعی - اقتصادی، هزینه مربوط به غیبت کوتاه‌مدت (کمتر از دو هفته) را محاسبه کرد. غیبت کوتاه‌مدت واکنش‌های افراد به شرایط کار (منطق اجتماعی) را منعکس می‌کند. بنابراین، این دو منطق اجتماعی و اقتصادی را می‌توان با یکدیگر در نظر گرفت و هزینه‌های منطق اجتماعی را بر اساس منطق اقتصادی محاسبه کرد

کنترل کامل یا حتی تسلط بر اوضاع را ناممکن می‌سازند. این امر مدیرانی که دقیقاً ماموریت آنها تسلط بر اوضاع است را با شبهه جدیدی مواجه می‌کند. این شبهه چیزی را به وجود می‌آورد که بعد از فروید فیول و گوسور (۲۰۰۲) آن را آسیب خودشیفتگی نامیدند. مدیران برای تسلط آرمانی بر اوضاع، دستمزد بالایی می‌گیرند و رتبه و مقام آنها نیز به طور نمادین به تسلط ایشان وابسته است. این آسیب، مخرب بوده و می‌تواند شوکی بسیار عمیق و فراموشی‌ناپذیر برای مدیران باشد. آسیب خودشیفتگی می‌تواند دو نوع نگرانی و تشویش شناخته شده یعنی افسردگی و بدگمانی را به وجود آورد. فردی که تشویش و نگرانی وی به افسردگی منجر شده، احساس شایستگی و کفایت نمی‌کند. نگرانی و تشویش منجر به بدگمانی، سبب می‌شود که جهان و مردم، در چشم وی متخصص به نظر آیند. سازوکار دفاعی بدن انسان در برابر این دو نوع تشویش و اضطراب، شروع به مقاومت می‌کند.

در حقیقت ما معتقدیم که این دو نوع ارتباط، همزمان وجود دارند. منطق‌ها هم مکمل و هم آشتی‌ناپذیرند و ارتباطی جدلی را تعریف می‌کنند که ما می‌توانیم آن را مغایرت نیز بنامیم. با استفاده از مثال فوق، می‌توان غیبت‌های مشهود را تنها تا اندازه‌ای مدیریت کرد. یعنی می‌توان آن را حذف کرد یا تا حد حذف، کاهش داد (بگذریم که برخی اوقات افراد حضور دارند ولی فکشان جای دیگری است) منطق اجتماعی یا انسانی متفاوت بوده و تا اندازه‌ای با منطق اقتصادی مغایرت دارد. بنابراین، کارکردن با مفاهیم ناهمگنی و مغایرت در ارتباط است.

ما معتقدیم که هزینه‌های پنهانی که رویکرد اجتماعی اقتصادی بر آن تکیه دارد، نشانه‌هایی از ویژگی‌های ناهمگنی در شرایط کار و نشانه‌هایی از مغایرت بین منطق‌ها هستند. هزینه‌های پنهان، تفاوت‌های ذاتی بین این منطق‌ها را بیان می‌کنند و حقیقتی که همواره در این جا نهفته است، این است که امکان تلفیق آنها در هم وجود ندارد. آسیب خودشیفتگی (۲)

که انواع همزیستی‌ها متفاوت باشند. ارتباط بین منطق‌ها می‌تواند مکمل، آشتی‌ناپذیر و یا مغایرت با یکدیگر باشد.

درک منطق‌های مکمل نسبت به دیگر موارد آسان‌تر است. به عنوان مثال می‌توان به همکاری دو فرد متفاوت اشاره کرد. به عنوان نمونه، می‌توان با استفاده از رویکرد اجتماعی - اقتصادی، هزینه مربوط به غیبت کوتاه‌مدت (کمتر از دو هفته) را محاسبه کرد. غیبت کوتاه‌مدت واکنش‌های افراد به شرایط کار (منطق اجتماعی) را منعکس می‌کند. بنابراین، این دو منطق اجتماعی و اقتصادی را می‌توان با یکدیگر در نظر گرفت و هزینه‌های منطق اجتماعی را بر اساس منطق اقتصادی محاسبه کرد.

آشتی‌ناپذیری نوعی تقابل متقارن بین منطق‌ها است. هر دو نوع منطق ضمن دارا بودن ماهیت مشترک مفاهیم متفاوتی دارند. از این دیدگاه، هر یک برای برداشت سهم خود از منبعی محدود (همانند بودجه، دستمزد، ارتقا شغلی و غیره) در تلاش‌اند. حاصل این نوع ارتباط بی‌نتیجه به خوبی توسط کروزیه و فریدبرگ (۱۹۸۰) یا پفر و سالانچیک (۱۹۷۴) مطالعه شده است.



آسیب‌شناسی نویسنده‌گی

کمال آرمون

نویسنده‌اش را از بسیاری عیوب و انتقادات دیگران حفظ می‌نماید.

۲۴. عجیب این‌که از میان این همه مطالب و سخنان ارائه شده نویسندگان پیرامون موضوعات مختلف، فقط تعداد کمی شان به دریای حقیقت می‌رسند.

۲۵. تأثیرگذاری فشارهای عصبی، بی‌حوصلگی و سلیقه خود بر نوع قضاوت، نسبت به یک متن از آفات بزرگ یک منتقد است.

۲۶. انتقادات نباید عامل دلسردی و مانع فعالیت نویسنده‌یی شوند، بلکه باید موجب اصلاح و کارآیی بیشتر اثر او گردد.

۲۷. نویسندگان موفق و باتجربه به خوبی از این نکته آگاهند که نقل یک مطلب نادرست یا ناهجا موجب سوءظن و تهمت‌ها و دشمنی‌های بسیاری می‌گردد.

۲۸. در عرصه فرهنگ متعالی، نقد ناروا و سطحی و تألیف عجولانه و سرسری جایی ندارد.

۲۹. کنترل زبان و نوشتار چه شباهت عجیبی در اصول و نتایج به هم دارند.

۳۰. ملاک در تعیین نویسنده برتر، معاشرت صحیح اجتماعی او و خدمت صادقانه و مفید به دین، فرهنگ و علم جامعه است.

۳۱. شرافت و صفای نفس، علم منطبق با حقیقت، اعتبار و محبوبیت اجتماعی، ادب گفتاری و نوشتاری از مهم‌ترین سرمایه‌های یک نویسنده است.

۳۲. انتقاد از اثری یا یک نویسنده‌یی اگر علمی و همراه با ذکر محاسن آن و به ویژه اخلاق پژوهشی باشد، کمتر نویسنده‌یی از آن آزاده و دلگیر می‌گردد.

۳۳. برای اثبات یک مطلب علمی، توضیح و بیان درست آن کافی است. دیگر نیازی به شرح اغراق‌آمیز آن نیست که چنین کاری خیانت به آن مطلب و مسوولیت‌های حرفه‌ای است.

۳۴. توجه و تأمل کافی نسبت به مسایل، از لوازم کشف اندیشه‌های ناب و اصیل برای یک نویسنده است.

۳۵. آثار نویسندگان واقع‌گرا بیشتر از نویسندگان صرفاً خیال‌پرداز مفید برای جامعه است.

۳۶. برترین نویسندگان کسانی‌اند که مطالب مقالات و کتاب‌های‌شان همانند برگ‌هایی متصل به درخت حقیقت باشد.

شده باشد، اثری بی‌نور و فاقد خیر و برکت برای جامعه خواهد بود.

۱۳. نویسنده موفق، تفکرات مضر و تخیلات منفی‌اش را به دور می‌ریزد، زیرا این‌ها را مانع دوستی‌ها و فهم درست مطالب و کارکرد صحیح فردی و حرفه‌ای خود می‌داند.

۱۴. در عالم نویسنده‌گی یک مطلب می‌تواند از نظر محتوایی غلط اما از نظر نوع ارائه و بیان مسأله، زیبا و جذاب باشد.

۱۵. اثر و سخنی که از کشف و تجربه درونی حاصل نشده باشد، فاقد جذابیت و تحریک عقل و وجدان در دیگران است.

۱۶. فقط نویسنده‌یی که حق را شناخته و به آن وفادار است، می‌تواند دیگران را نسبت به آن راهنمایی نماید.

۱۷. گاه حضور نویسنده در بعضی مکان‌ها و یا مجالس به جز اتلاف وقت و عقب‌ماندن از کار، هیچ نتیجه دیگری برایش ندارد.

بالای دست بسیار است و گاه فرد عامی (اما با تجربه و روشن‌ضمیر) می‌تواند حقایق بزرگی را در جهان درک نموده و با عالمی از اسرار در ارتباط باشد.

۳. نشر و گسترش علوم مفید، بیان واقعیات، ترویج ارزش‌های اخلاقی و دینی، آرایه راه‌کارهای مناسب در رفع کاستی‌ها و مشکلات جامعه و... جزو اهداف نویسندگان و الامقام است، نه چیز دیگر.

۴. نویسنده بدون بهره‌گیری از علم و تجربیات جدید، تفکرات و سخنان و نوشته‌هایش، تکراری و فاقد جذابیت و کارآمدی است.

۵. عدم فهم دقیق کلمات و معنی مورد نظر، نویسنده را به کلی از حقیقت مسأله دور می‌کند.

۶. توجه افراطی نویسنده به کارش موجب آغاز اختلافات و آسیب‌های بزرگ خانوادگی او می‌گردد.

انسان بیان‌کننده اسرار عالم است و قلم توصیف‌گر انسان و حالات و زنده‌گی اوست. نوشتن برای نویسنده‌گان، گذشته از یک ضرورت اجتماعی، گاه به عنوان یک شیفتگی و نیاز بزرگ روحی خودنمایی می‌کند. شیفتگی‌یی که حتا تا آخرین لحظه حیات یک نویسنده بدون کاستی باقی می‌ماند. نویسنده‌گی هم مانند دیگر مشاغل دارای آسیب‌ها و آفات است. این آسیب‌ها گاه به ویژه‌گی و ضرورت‌های علمی نویسنده‌گان و آثارشان مربوط می‌شود و گاه به آداب و اخلاق پژوهشی نویسنده‌گان

۱۸. هدف نویسنده باید فراهم نمودن زمینه فهم بهتر مطالب به خواننده‌گانش باشد، نه تحمیل آن.

۱۹. کوشش علمی فراوان و استمداد از خدا جزو لوازم موفقیت یک نویسنده است.

۲۰. تک‌روی، منفی‌بافی، بی‌مجتبی و تکبر علمی نسبت به همکاران و آثارشان، ویژگی بعضی از نویسندگان است.

۲۱. نویسنده‌یی که فاقد اخلاص کاری، تواضع و محبت به همکاران (و مردم) باشد، پنجره الهامات و موفقیت‌های بزرگ را به روی خود بسته است.

۲۲. نویسندگان از بسیاری انتقادهای نباید ناراحت شوند، زیرا برترین آثار (علمی، فرهنگی، دینی) جهان هم بی‌نصیب از سطحی‌نگری‌ها و تهمت‌ها نبوده‌اند.

۲۳. بازبینی و اصلاح مکرر هر متن،

۷. عدم ابتکار و خلاقیت در آرایه یک اثر از عوامل مهم رکود کاری یک نویسنده است.

۸. استمرار در مطالعه تفریحی و غیرلازم کتاب‌ها، یکی از آسیب‌های علمی نویسندگان است.

۹. نویسنده‌یی که در کارش ذوق و ابداع و تحلیل نباشد، اثرش همانند آینه‌یی است که در آن فقط گفته‌های دیگران انعکاس می‌یابد و از خود او نقشی در آن وجود ندارد.

۱۰. پذیرش انتقادات صحیح و نقد به‌جای منتقدین، یکی از ویژگی‌های نویسندگان منصف و شجاع است.

۱۱. بر خلاف اعتقاد نویسندگان مادی‌گرا علاوه بر طبیعت، جامعه و تاریخ، دین را نیز باید از جمله منابع دانش و حقایق بزرگ جهان دانست.

۱۲. اثری که فقط با انگیزه‌های مادی تألیف

مقدمه

گاهی با اشیای کوچک و معمولی می‌توان کاری بزرگ انجام داد. قلم و کاغذ این چنین‌اند. نوشتن با قلم و کاغذ آغاز می‌گردد ولی تأثیرات شگفت آن که مبتنی بر قدرت فکر و هنر احساس نویسنده است، بر جهان و روان آدمیان و زنده‌گی‌شان تداوم می‌یابد.

قلم و فکر ذره‌بین اسرار جهانند که با آن حقایق و معانی عالم آشکار می‌شود. گاه قلم در جست‌وجوی حقیقت، آن را می‌بیند، او هم بسیاری از رازهایش را به قلم می‌گوید. بدین جهت است که گاه بر روی تکه کاغذی راز بزرگی نوشته شده که کسی از آن آگاه نیست. نوشتن موجب تحریک و تقویت اندیشه و شکوفایی احساس بوده و یکی از ویژه‌گی‌های دانشمندان، متفکرین و هنرمندان است. نوشتن، زبان دیگر انسان است. او با نوشتن آشنایی و پیوندی کهن دارد. نویسنده‌گی علاوه بر کارکرد مهم خود در جامعه، جوهری هنری نیز دارد و انسان هم دوستدار هنر و زیبایی‌های آن است. نویسنده‌گان صمیمیت و اسرار عجیبی دارند با عالم خیال و اندیشه، قلم و کاغذ، کلمات و تنهایی و جذبه عالم معنا.

انسان بیان‌کننده اسرار عالم است و قلم توصیف‌گر انسان و حالات و زنده‌گی اوست. نوشتن برای نویسنده‌گان، گذشته از یک ضرورت اجتماعی، گاه به عنوان یک شیفتگی و نیاز بزرگ روحی خودنمایی می‌کند. شیفتگی‌یی که حتا تا آخرین لحظه حیات یک نویسنده بدون کاستی باقی می‌ماند. نویسنده‌گی هم مانند دیگر مشاغل می‌تواند دارای آسیب‌ها و آفات باشد. این آسیب‌ها گاه به ویژه‌گی و ضرورت‌های علمی نویسنده‌گان و آثارشان مربوط می‌شود و گاه به آداب و اخلاق پژوهشی نویسنده‌گان. در این مطلب مختصر، سعی نمودم به برخی از این آسیب‌ها اشاره‌یی کوتاه نمایم تا تذکری باشد در جهت رفع این غفلت‌ها و تأثیرگذاری بهتر نویسندگان و آثارشان در جامعه، که در ذیل به آن پرداخته می‌شود:

۱. آرایه یک اندیشه ساده ولی حقیقی از خود، ارزشش بیش از نشان دادن یک مطلب مهم اما تقلیدی از دیگران است.

۲. غرور و فخرفروشی علمی در عرصه فرهنگ صحیح انسانی و دینی جایی ندارد و علاوه بر این، باید پذیرفت که در حوزه علم هم دست

بزرگ‌ترین متحد ترامپ در انتخابات آینده کیست یا چیست؟

جان هریس/ مترجم: فریده وکیلی

اگر می‌خواهید بدانید که چرا جنجالی‌ترین رییس‌جمهور تاریخ آمریکا در حال حاضر شانس خوبی برای برنده شدن دوباره در انتخابات دارد، باید به چند نکته توجه کنید. کمپین انتخابات مجدد دونالد ترامپ از همین حالا، سرشار از حمایت مالی، با سیراب کردن شبکه اجتماعی از آگهی‌های جهت دار و درو کردن اطلاعات رأی دهنده‌گان، فعالیت خود را آغاز کرده است. نمایش استیضاح به اندازه کافی برای برانگیختن افکار عمومی، این موقعیت را به ترامپ داد تا با انجام پرسش‌نامه‌های آنلاین و طرح سوالاتی مانند: «آیا شما قبول دارید که پرزیدنت ترامپ خطایی مرتکب نشده است؟ آیا قبول دارید که دموکرات‌ها تلاش دارند با دروغ رییس‌جمهور را استیضاح کنند؟» نقش شوالیه‌یی را ایفا کند که علیه توطئه لیبرال‌ها می‌جنگد.

در مقابل، رقیب احتمالی دموکرات‌ها، جو بایدن به دنبال تصمیم بسیار عجیبی در سرخط خبرها اعلام کرد که قصد دارد بر آگهی‌های تلویزیونی متمرکز شود و بودجه تبلیغات آنلاین را قطع کرده است.

آگهی‌های کمتر با موضوعات سیاسی اجتماعی می‌دهد و نیز در جهت ممانعت از دخالت‌های خارجی تلاش‌هایی کرده باشد، اما رسواترین روشی که در مواجهه با سیاست اتخاذ کرده به قوت خود باقی است. وقتی من با بخش مطبوعاتی این کمپنی تماس گرفتم، ایمیلی از طرف مشاور و رییس اجرایی این بخش به نام «تنو» دریافت کردم که از من می‌خواست درک کنم که فیسبوک وظیفه ندارد نقش داور را در مناظرات سیاسی ایفا کند و مانع ارسال پیام‌های آنان به دست مخاطبان خاص و موردنظر باشد و اینکه آگهی‌های هدف دار چیز خوبی هستند نه فقط برای کمپین‌های سیاسی بلکه برای بنگاه‌های خیریه و ان‌جی‌اوها. اما ایراد به چنین دفاعیاتی این است که دست‌کنندگان و کمپین‌ها را با مصونیت کامل باز می‌گذارد که دروغ بگویند و مایکرو تارگتینگ یا همان دسته‌بندی کردن تبلیغات و ارسال آنها با توجه به گرایش‌های افراد را بیش از پیش جذاب می‌کند.



یک مثال: سازمان تبلیغات ترامپ سال گذشته ادعای دروغینی را انتشار داد مبنی بر اینکه «بایدن» یک میلیون دلار به مقامات اوکراین پیشنهاد داده تا از تحقیقات درباره کمپنی‌یی که به پسر او مرتبط است، صرف نظر کند. سی.ان.ان از پخش آن امتناع می‌کند؛ فیسبوک ابایی از این کار نداشت و بعد از این ماجرا هم موارد این‌چنینی بسیاری خواهیم داشت.

قابل توجه است که این رویکرد «دخالت ممنوع» فیسبوک نسبت به دروغ‌های سیاسی مورد تایید پیتر تیل، میلیاردر حامی ترامپ است که عضو هیأت مدیره فیسبوک نیز است. اگر می‌خواهید به تفکر مورد حمایت او پی ببرید بخش‌نامه‌یی را که توسط آندره بوسفورت، رییس بخش واقعیت مجازی، به بیرون درز کرده است بخوانید. او می‌گوید: «ترامپ سه سال پیش برنده شد، زیرا او بهترین کارزار تبلیغات دیجیتال را که من تا به حال دیده بودم، داشت و سیاست‌های تبلیغاتی امسال فیسبوک هم احتمالاً به همان نتیجه ختم خواهد شد.»

وقتی صحبت از روش تبلیغات سیاسی فیسبوک و ارتباط آن با شانس برنده شدن ترامپ می‌شود، بوسفورت عرفانی می‌شود و می‌گوید: «در حال حاضر به ارباب حلقه‌ها فکر می‌کنم، به‌ویژه وقتی فرود حلقه را به گارد ریل پیشنهاد می‌کند و ابتدا به استفاده از قدرت صالح می‌اندیشد ولی می‌داند که به مرور او را دچار فساد خواهد کرد. همان طور که استفاده از ابزار موجود برای تغییر نتایج و سوسه انگیز است، ولی با اطمینان می‌گویم که نباید این کار را انجام دهیم چون تبدیل به همان چیزی خواهیم شد که از آن وحشت داریم.» اما درباره این واقعیت که الگوریتم‌های فیسبوک گفتمان‌های سیاسی هیستریک، کاذب و پُر از کینه را ترجیح می‌دهد، چه باید کرد؟ بوسفورت

می‌گوید: «الگوریتم‌ها در اصل گرایش‌های انسانی را به نمایش می‌گذارند.» او ادامه می‌دهد: «پدرسالاری کمپنی‌های بزرگ راه حل نیست. در اختیار قرار دادن ابزار تصمیم‌گیری به مردم خوب است، ولی تحمیل تصمیمات بر آنها به ندرت جواب می‌دهد (چه برای شما و چه برای آنها)». به عبارتی دیگر، فیسبوک سم را در اختیار شما می‌گذارد؛ سمی که غالباً به صورت مایکروتارگتینگ آن را جذاب‌تر کند و اگر شما خواستید آن را سر بکشید، میل خودتان است. این است تنوع و تعهدات پیشنهادی کمپنی که بدون شک قدرت‌مندترین کمپنی جهان است. رسانه سنتی شاید هنوز انتخابات را در قالب تشکیل کمپین و انجام مناظرات ببیند، ولی همان طور که پیروزی بوریس جانسون بعد از هفته‌ها طفره رفتن از یک بررسی موشکافانه نشان می‌دهد، سیاست‌ها دیگر در این قالب‌ها شکل نمی‌گیرند، فیسبوک به کمپین‌ها و کاندیداها یک پیشنهاد تطمیع‌کننده و دو جانبه می‌دهد؛ شما می‌توانید پول بی‌حساب در گسترش اخبار جعلی بپردازید و در عوض مطمئن باشید که از موثرترین ابزار ارتباطی سیاسی که تا به حال اختراع شده بهره‌مند می‌شوید.

این موضوع به سختی حزب کارگر را از اشتباهات سریالی خود مبرا می‌کند، اما فرمول بالا در قلب پیروزی ماه دسامبر حزب محافظه کار دیده می‌شود: در پایان انتخابات سازمان فول فکت که از طرف خود فیسبوک مسوول راستی‌آزمایی مطالب بود، اعلام کرد که ۸۸ درصد آگهی‌های منتشر شده حزب محافظه‌کار در فیسبوک طی یک دوره چهار روزه گمراه‌کننده بودند (این آمار در مورد مطالب حزب کارگر ۷ درصد بود).

مناظرات سیاسی محترمانه شاید آخرین نفس‌های خود را می‌کشد. یکی از آنها گردهمایی سناتور مک کین در سال ۲۰۰۸ بود، وقتی یکی از حضار فریاد می‌زند که او پامای آمریکایی نیست و مک کین از او می‌خواهد که ساکت شود. شاید با توجه به مطالبی که همکار من، امیلی بل، هفته گذشته بیان کرد - اینکه نخست وزیر هندوستان، نارندرا مودی هرگز نشست خبری برگزار نکرده، مشاور رسانه‌یی کاخ سفید در ۶ ماهه گذشته نشست عمومی نداشته - پیش‌بینی‌ها در آینده دل‌سرد کننده باشند. ظاهراً به همین دلیل دولت جدید بریتانیا خود را کمتر با جریان اصلی خبرها همگام می‌کند.

به نظر می‌آید که ما در آغاز یک عصر کاملاً جدید هستیم که در آن، به روایت از نیویورک تایمز، پیروزی معمولاً از آن کسانی است که دارای هیجانات بیش از اندازه تعصب‌آمیز هستند، فارغ از درست یا نادرست بودن آن و بی‌اعتنا به استفاده از فنون کثیف. شاهد این مدعا، کمپین ۲۰۱۶ ترامپ با هدف تخریب هیلاری کلinton از طریق فیسبوک است.

هر بار که درباره فیسبوک می‌نویسم چیزی ذهنم را درگیر می‌کند: اگر فیسبوک از ابتدا با نیت خیر آغاز به کار کرده است، اکنون از شکست او در تطابق قدرت متناسب با تعهداتش زمان زیادی می‌گذرد. بعد از مدت‌ها زورکریگ خود به نظر می‌رسد که انجام اقداماتی را ضروری می‌داند. او در پیام اخیر سال نو خود گفت: «من اعتقاد دارم وضع مقررات شفاف‌تر از طرف حکومت می‌تواند مفید باشد، مقررات درباره انتخابات، محتوای زیان‌آور، حریم خصوصی و قابلیت انتقال اطلاعات.»

مطالبات ما مقررات سخت‌گیرانه، تفکیک شده و قابل اجراست همچنین تشخیص اینکه فیسبوک تحت عنوان نزدیک کردن افراد به یکدیگر پایه‌های دموکراسی را متزلزل می‌کند؛ همان دغدغه‌هایی که اکنون در میان افراد رده بالای حزب دموکرات مطرح است.

واقعیت این است که اگر ترامپ به راحتی بر رقیب دموکرات خود پیروز شود، این پیروزی از پیش امکاناتی است که فیسبوک برای سفسطه در اختیار او گذاشته است.

چرا شبکه‌های اجتماعی...

مبدل شود، در واقع ما به دنبال مکانی برای کاربران در جهت ارتباط برقرار کردن با افراد مورد علاقه شان هستیم.» در اصل تمرکزها باید بیشتر بر محتوا باشد تا محبوبیت عکس‌ها و ویدئوها و گرفتن لایک هرچه بیشتر. با اینچنین استدلال‌های آموزشی‌یی شبکه‌های اجتماعی سعی در کاهش فشارهای روانی روی کاربران خود که به‌ویژه نوجوانان هستند، دارند. دانشمند رسانه، سیلین کولینگ از دانشگاه علوم کاربردی زوریخ که به بررسی رفتارهای جوانان در رسانه‌های اجتماعی می‌پردازد، می‌گوید: «نیاز بشر به شناخت - که در شبکه‌های اجتماعی بسیار به چشم می‌خورد - امری کاملاً طبیعی است، به‌ویژه برای افراد در سنین جوانی، جایگاه و مقایسه فوق‌العاده حیاتی است، به کمک این بستری اجتماعی فرصت عالی‌یی برای یافتن هویت‌ها در دسترس قرار می‌گیرد، اما اغلب افرادی که می‌خواهند با تصاویر ایده‌آل موجود مطابقت داشته باشند فشار زیادی را روی خود حس می‌کنند که خطر ساز است و بسته به شرایط فردی این بار می‌تواند سنگین‌تر هم شود، بعضاً در بین جوانانی که عزت نفس پایین‌تری داشته یا احساس حمایت نمی‌کنند اوضاع تا یک بحران جدی هم پیش می‌رود.»

کارن فلیشمن که خود را بیش از یک سفیر به عنوان یک اینفلوئنسر می‌داند، فشارهایی را شبکه‌های اجتماعی برای کاربران ایجاد می‌کند به خوبی می‌شناسد. به گفته او، دنیای توهمی غالب بر اینستاگرام می‌تواند تأثیرات منفی فراوانی همچون شک، حسد، حسرت را در بین کاربران ایجاد کند. او می‌گوید: «خلاص شدن از زیر فشار روانی شبکه‌های اجتماعی با این‌چنین ایده‌هایی که اخیراً در حال آزمایش هستند، می‌تواند میسر شود، به طوری که همگی بتوانیم فضای بهتری را تجربه کنیم و این یک تسکین عالی برای همه کاربران می‌تواند باشد به‌ویژه جوانانی که دنیای خود را اغلب به دور از واقعیت‌ها و بر پایه توهما بنا نهاده اند.»

اما در پشت اینستاگرام و سایر شبکه‌های مجازی، مدل‌های تجاری فراوانی موجود است که نقش آفرینان آنها سودهای کلانی از این طریق کسب می‌کنند. اگر اینستاگرام تعداد لایک‌ها را در همه‌جا مخفی نگه دارد، معیارهای مهم دیگر برای شرکای تبلیغاتی بالقوه به راحتی پیشتر قابل مشاهده نخواهد بود در نتیجه آن مقایسه رقبا دشوارتر می‌شود و این تأثیر مستقیم بر دید و تصمیمات سرمایه‌گذاران و شرکت‌ها خواهد داشت. فلیشمن معتقد است که

ستاره‌گان باید خود را بیش از شبکه‌های اجتماعی در رسانه‌های کلاسیک ثابت کنند. تبعید لایک‌ها در صورتی معنی می‌یابد که هیچ‌کس به اعداد و ارقام آنها دسترسی نداشته باشد. آرزو و تمایل روان‌شناسان برای کنترل و تغییرات بسیار زیاد است و از سوی دیگر، تغییر دادن تجارت‌های میلیون‌دلاری هم در حال حاضر آسان به نظر نمی‌رسد. کارشناسان خاطرنشان می‌کنند که رسانه‌های اجتماعی تحت فشار عظیم اجتماعی هستند به همین خاطر سعی در مثبتی در ظاهر دارند. اگر دیگر هیچ فشاری برای محبوب شدن وجود نداشته باشد احتمالاً کاربران انگیزه بیشتری برای اشتراک‌گذاری عکس‌ها و ویدئوهای خود دارند، در واقع هر کجا رد پای پول یا محبوبیت کم‌رنگ‌تر شود احساسات واقعی‌تر و قابل اعتمادتری جریان خواهد داشت و البته ارزش محتوا به مراتب بیشتر حفظ خواهد شد.



هجرت الله جبرئیلی

بخش سوم

از الهیات وصل تا الهیات فصل:

تبیین الهیاتی غوغاسالاری دین‌گريزان و دین‌مداران

«ابر انسان» را می‌داد. فلسفه و اندیشه او دعوتی بود به سوی، انسان‌مداری و اومانيسم. اما الهیات فصل نیچه، یک الهیات فصل نرم بود. دیده نشد که پیروان و دوست‌داران نیچه به براندازی کلیسا و یا نشانه‌ها و مظاهر خدا که در دین نمودار می‌شد، بپردازند. اما نیک هویداست که الهیات فصل او، «رسالت فصل نرم» تولید می‌کرد و پیرو و دوستدار فلسفه او نرم، نرم از مدار خدا می‌برید و به مدار ابر انسان می‌پیوست و اگر مکتبی تشکیل می‌شد و گروه اجتماعی تشکیل بر مبنای آن شکل می‌گرفت، به نام نیچه ایسم، دعوت او به اعتقاد به «الهیات فصل» و پیشبرد «رسالت فصل» می‌بود.

نمونه دیگری از الهیات فصل، الهیات فصل داروینی است. پُر واضح است که اساس «خدامداری» و «دین‌مداری» پاسخ به پرسش خلقت است، به این معنا زمانی که انسان از خلقت خویشتن و خلقت جهان می‌پرسد، به این نتیجه می‌رسد که آفریننده‌ی است که او را آفریده است و این آفریدگار زنده‌گی او و جهان را تدبیر می‌کند، از این جا نتیجه برای پرستش آن خالق می‌گیرد که آفریننده جهان «خدا» نام گرفته است. پرستش خدا، باعث می‌شود تا او در تمام عرصه‌های زنده‌گی خدا را بپرستد و این بدان معناست که در همه عرصه‌های زنده‌گی هدایت خدا را بجویید و از هدایات او اطاعت کنید.

داروین با پی‌گرفتن فرضیه تکامل انواع که توسط دیگر دانشمندان مطرح شده بود، نظریه تکاملی خویش را بیان کرد که گونه‌های موجودات، یک‌دیگر اشتقاق یافته اند، و در آینده نیز این روند ادامه خواهد یافت.

او به دنبال یک سفر تحقیقاتی پنج‌ساله و مطالعات فراوانی که روی گونه‌های گیاهی، حیوانی و رفتارهای فردی و اجتماعی انسان‌های غیرمتمدن انجام داد، به این نتیجه رسید که همه موجودات زنده در زنجیره‌ی از روند تکاملی طبیعت جای می‌گیرند و انسان به عنوان نوع تکامل یافته در آخرین حلقه مجموعه عظیم طبیعت قرار دارد. در این فرضیه، نوعی تکامل اتفاقی و پیش‌بینی نشده برای طبیعت، به اقتضای شرایط محیطی فرض شده است که در آن، از تغییرات ارگانیک حاصل از سازگاری موجودات با شرایط محیط، انواع جدید به وجود آمده اند.

انسان. بدین‌گونه دین‌ورزی دین‌گريزان و دین‌ورزی دین‌ستیزانه حاشیه‌ی بوده است، بر تاریخ دین‌مداری، یا «انسان‌مداری» حاشیه‌ی است بر «خدامداری»، و حرکت فصل از مدار خدا و وصل به مدار انسان، حاشیه‌ی است بر وصل به خدا. ما از این گسست و این فصل، به «الهیات فصل» تعبیر می‌کنیم. «الهیات فصل» جلوه‌های گوناگون را از خود به نمایش گذاشته است. «الهیات فصل کامل» و «الهیات فصل ناقص» و یا «الهیات فصل سخت» و «الهیات فصل نرم». یکی از نمونه‌های برجسته «الهیات فصل کامل» و همچنان «الهیات فصل سخت»، «الهیات فصل نرم» است. سبک زنده‌گی مارکسیستی است. در مارکسیسم «خدا» موجب «خودبیگانگی» انسان از خودش است، و «دین افیون جامعه است». در این سبک زنده‌گی، رویکرد دین‌ورزی دین‌ستیزانه شکل می‌گیرد. زمانی که مفهوم دین موجب خود بیگانگی انسان از خویشتن و دین افیون و تخدیر کننده جامعه و به‌ویژه طبقه پرولتاریا و همچنان دین ابزار بورژوازی برای به ستم کشیدن توده، در درون انسان معتقد به مکتب مارکسیسم درونی شد، برایش «رسالت فصل» تولید می‌کند. مارکسیست همان طور که عقده‌های نفرت و کین در برابر سرمایه‌داری در درونش منجمد شده است و باید عقده‌گشایی کند، همان طور در برابر «خدا» و «دین» نیز عقده‌مند و کینه‌توز است. زیرا از دیدگاه او، دین و سرمایه‌داری و کلیسا و بورژوا و ملا و خان دست به دست هم داده اند تا از توده بهره‌کشی نمایند. اینجاست که مارکسیست با «رسالت فصل کامل» و همچنان «رسالت فصل سخت» همان طوری که راهبردش این است که تمامی بنیادها، نهادها و مظاهر و نشانگان سرمایه‌داری را از بیخ و بن برکند، می‌بایست تمامی بنیادها، نهادها، و مظاهر و نشانگان خدا و دین را نیز از بیخ و بُن برکند و بر جای آن دیکتاتوری پرولتاریا را به کرسی حاکمیت بنشانند و انسان مرفقی کمونیست را به آقایی جهان برسانند. در واقع اگر چه مارکسیست دین‌دار نیست، ولی دین‌ورز است، زیرا او با دین تعامل می‌کند، و هر گونه تعامل با دین نوع دین‌ورزی است. مارکسیست با «الهیات فصل کامل و سخت»، «رسالت فصل کامل و سخت» تولید می‌کند و بدین‌گونه رویکرد دین‌ستیزی سخت و بنیاد بر انداز را به نمایش می‌گذارد.

نمونه دیگری، از «الهیات فصل کامل»، «الهیات فصل» نیچه‌ی است. نیچه که با شعار «خدا مرده است»، شعار فصل از مدار «خدا» و وصل به مدار

عملی نیست که شریعت برای آن عمل قتل را تجویز کند.

راه پنجم، راه تدبیر و تربیت است که پدر فضای فرهنگی را درک کند و به نصیحت‌های خویش ادامه دهد و من باب فتح ذرایع از طریق یافتن محیط‌های که سبک زنده‌گی زن مسلمان را بدو بیاموزاند، زمینه بازگشت او به حجاب مسلمانی را میسر سازد.

تاتوانی پامنه اندر فراق / ابغض الاشیاء عندی من نکردم امر تا سودی کنم / بلیک تا بر بنده‌گان جودی کنم ...

خطاب دومی خدا به حضرت موسی علیه‌السلام این است که: «تاتوانی پامنه اندر فراق»؛ رسالت وصل را طوری اجرا کن که باعث فراق و دوری بنده من از من نشوی، دوری بنده‌گان من از من، نامحبوب‌ترین چیزها نزد من است.

«امر» تشریحی من یعنی خدا، از بهر آن نیست که برده‌گانی گیر بیاورم و از آنها بار بکشم و سود بجویم، من بی‌نیاز هستم، بلکه «امر» رسالی من به تو از بهر این است که دستگیر بنده‌گان شوی و جود و سخاوت من - هدیه تکامل - را به آنها برسانی تا سفر وصل را آغاز کنند و با هر چه بیشتر وصل شدن، بیشتر کامل شوند و چه بسا که شایستگی کامل مکمل شدن را پیدا کنند.

ای رسالت‌مداران وصل! موسی کلیم‌الله اگر ممکن باشد که خدای ناخواسته باعث دوری بنده خدا از خدا شود، پس من و توی که فهم مان از دین با هزار پیوند و پینه صورت گرفته است، چه خطاهای که وسیله دورساختن بنده‌گان خدا، از خدا شده باشد، از دست مان سرزده باشد.

آری! عصر ما عصر راندن بندگان خدا به «بیابان» و «برهوت» بی‌تکلیفی دینی و سیر دادن مسلمانان برای «رفتن» به دنیای دین‌گریزی و دین‌ستیزی، توسط کسانی است که علم رسالت وصل را با نادانی و ناپویایی و نابخردی و غوغاسالاری حمل می‌کنند.

الهیات فصل

تاریخ‌نگاری به خوبی نشان داده است که حرکت از دوران پیشامدرن، به سوی دوران مدرن و پست مدرن، حرکت از رویکرد دین‌ورزی دین‌مدارانه، به سوی دین‌ورزی دین‌گريزان و دین‌ستیزانه بوده است. در واقع این حرکت، سیر انسان از «خدامداری» به سوی «انسان‌مداری» است، و حرکت فصل از مدار خدا و وصل به مدار

باید دانست، دین‌ورزی به اساس اختیار صورت می‌گیرد، و دین‌ورزی بدون اختیار ارزشی ندارد. حال فرض اینکه دختری به سن بلوغ رسیده است و خود می‌باید نحوه پوشش خود را انتخاب کند. دختر به اساس بزرگ شدن در محیط آلوده رسانه‌ی، دست به انتخاب پوششی که حجاب را بر نمی‌تابد می‌زند و به اصطلاح بدحجابی یا بی‌حجابی می‌کند. پدر مومن امر خدا را به او می‌رساند و از حق نصیحت خود بر او یادآوری می‌کند، اما دختر حرف پدر نمی‌شنود، سخن مادر گوش نمی‌کند، کاکا و ماما و ... را نیز ارزش نمی‌دهد. آیا این پدر به خاطر بدحجابی این دختر بی‌غیرت است؟ باید بدانیم که پس از ادای امر به معروف و نهی از منکر: «أَلَا تَرَوْا وَازَرَّةَ وَزَّرَ أَخْرَى (النجم: ۳۸)»؛ (در صحف ایشان آمده است) که هیچ‌کس بار گناهان دیگری را بر دوش نمی‌کشد. حاکمیت پیدا می‌کند. در این صورت جرم، دختر را پدر نمی‌کشد و نزد خداوند معذور است و نه مأخوذ.

اگر پدر غیرت قبیله‌ی یا با تسامح غیرت اسلامی‌اش جوانه زند، پنج راهی بیشتر نخواهد داشت:

۱) دختر را در خانه زندانی کند و اجازه بیرون رفتن ندهد. ۲) دختر را از خانه خویش بیرون کند. ۳) دختر را به شوهر دهد. ۴) دختر را بکشد. ۵) پدر از صبر و درایت کار گیرد و با رهنمایی دختر به محیط‌های آموزشی صالح زمینه بازگشت او به حجاب را میسر سازد.

در جامعه شهری افغانستان به تجربه دیده شده است که:

۱) راه اول نتیجه‌بخش نیست و تا ابد نمی‌تواند در زندان خانه باشد، این عمل دختر را عقده‌مند می‌سازد و به بدحجابی و بی‌غفتی بیشتر می‌کشاند.

۲) راه دوم به کشاندن پای دختر به خانه‌های امن کشانیده می‌شود و این آن چیزی است که علمای ما از آن به خانه‌های فحشا یاد می‌کنند، پس اینجا غیرت منجر به فحشا شده و خلاف نتیجه داده است.

۳) راه سوم، شوهر دادن در فرهنگ افغانستان به خواست پدر نیست، بلکه به خواست خواستگار است که چه وقت دروازه را تک تک کند و یا نکند. دیگر اینکه آیا خواستگار خواستار حجاب همسرش باشد، نباشد، بلکه خانه شوهر ممکن است به بی‌حجابی و بدحجابی بدتر بینجامد.

۴) راه چهارم، خود گناه کبیره است، و بدحجابی

مترجم: هدیه عابدی

معامله قرن طرحی برای تسلیم دایمی فلسطین



دونالد ترامپ، رییس‌جمهور آمریکا با طرح «صلح خاورمیانه» این پیام را به گوش جهان رساند که می‌توان قوانین بین‌الملل را دور زد. هفته گذشته، رییس‌جمهور استیضاح شده آمریکا در حالی که نخست وزیر متهم اسرائیل در کنارش ایستاده بود، برنامه خود را برای برقراری صلح میان فلسطین و اسرائیل اعلام کرد. طرح ترامپ که هنوز راه زیادی دارد تا تبدیل به یک برنامه صلح «تاریخی» شود صرفاً بازسازی ایده‌های مذاکرات شکست خورده قبلی است.

در آن زمان نیز مانند الان، اسرائیل همین اهداف را دنبال می‌کرد: اینکه تا جایی که امکان دارد، فلسطینی‌ها را در کمترین زمین ممکن محصور کند و در عین حال شهرک‌های غیرقانونی خودش قانونی اعلام شود و فلسطینی‌ها از حق تضمین شده خود برای بازگشت به میهن شان محروم باشند. این طرح صلح نیست بلکه تقاضای موافقت فلسطینیان با تسلیم همیشگی است. در این برنامه بخش بزرگی از کرانه باختری از جمله «دره اردن» به اسرائیل داده می‌شود تا لازم نباشد هیچ یک از شهرک‌های غیرقانونی آنها برچیده شود. در این طرح بیت‌المقدس، پایتخت یکپارچه اسرائیل خواهد بود در حالی که بخشی از حومه شهر را به فلسطین اختصاص داده اند تا آن را پایتخت خود اعلام کند. این طرح می‌خواهد فلسطینیان از حق بازگشت خود چشم‌پوشی کنند و اسرائیل را به عنوان «کشوری یهودی» بپذیرند.

«کشور» فلسطین مجسم شده در طرح ترامپ مجموعه‌یی از بخش‌های زاغه‌نشین است که هیچ نوع کنترلی بر مرزهای زمینی، هوایی یا منابع طبیعی ندارد. طرح ترامپ چراغ سبزی است به برنامه اسرائیل برای اشغال و الصاق کرانه باختری به اراضی اشغالی. همین هفته گذشته بود که بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر رژیم اسرائیل اعلام کرد، فرایند الصاق غیرقانونی کرانه باختری به اراضی اشغالی را آغاز می‌کند. پیش از اعلام رسمی «معامله قرن» آمریکا عملاً همه اموال و آرزوهای نخست وزیر اسرائیل را برآورده کرده بود: از انتقال سفارت آمریکا به بیت‌المقدس، اعلام اینکه

بلندی‌های اشغالی جولان بخشی از اسرائیل هستند و قطع کمک‌های خود به آژانس امداد سازمان ملل برای پناهنده‌گان فلسطینی گرفته تا بستن دفتر سازمان آزادی بخش فلسطین در ایالات متحده همگی مواردی بودند که در فهرست خواسته‌های نتانیاهو قرار داشت. بنابراین، جای تعجب ندارد که نتانیاهو نمی‌توانست خوشحالی‌اش را مخفی کند و از طرح ترامپ به عنوان مهمترین روز در تاریخ اسرائیل یاد کند. مشکل فقط مربوط به محتوای این برنامه نیست بلکه فرایند آن نیز اشکال دارد. از میان ۱۳ میلیون فلسطینی در سراسر جهان، ترامپ و تیمش نتوانستند حتی چند نفر را برای تایید و امضای طرح خود پیدا کنند. با این حال، برای ترامپ و مشاورانش که همه طرفدار شهرک‌سازی اسرائیل و سیاست‌های توسعه‌طلبانه آن هستند اینکه فلسطینیان چگونه فکر می‌کنند و چیزی که قانون مشخص می‌کند، اهمیتی ندارد آنچه که اهمیت دارد فقط و فقط اسرائیل است. در تمامی مذاکرات دو دهه گذشته، خواسته‌های اسرائیل همیشه مقدم بر حقوق فلسطین قرار می‌گرفته است. اسرائیل همیشه تمایلات سیری ناپذیرش را به سرزمین فلسطین تحت عنوان نگرانی «امنیتی» یا «جمعیتی» مطرح کرده است. روشی مودبانه برای گفتن اینکه اسرائیل هیچ فلسطینی غیریهودی را در میان خود نمی‌خواهد، چیزی که فلسطینی‌ها همیشه ملزم به پذیرش آن بودند. به عنوان مثال همیشه به امنیت اسرائیل توجه زیادی شده است در حالی که فلسطینیان باید بدون هیچ‌گونه وسیله دفاعی از زنده‌گی در کشوری بدون قدرت نظامی راضی می‌بودند، اما اسرائیل و ساکنین مسلح آن حق حمله به شهرهای فلسطین را آن طور که می‌خواهند، حفظ می‌کنند. قرار است «نگرانی‌های جمعیتی» اسرائیل با تجدید مرزها برطرف شود تا شهرک‌های غیرقانونی اسرائیل قانونی شوند ضمن اینکه فلسطینی‌ها از حق بازگشت خود محروم می‌شوند صرفاً به دلیل اینکه یهودی نیستند. تمایل اسرائیل برای داشتن بیت‌المقدس به عنوان «پایتخت جاودانه و ابدی» خود منجر به نادیده گرفتن حقوق بین‌الملل می‌شود و پایتخت فلسطین در بخش‌های زاغه‌نشین مناطق مقدس و به

دور از قطب اقتصادی آن قرار خواهد گرفت. این نگرش در چشم‌انداز برنامه ترامپ در مورد شهروندان فلسطینی اسرائیل نیز صدق می‌کند. از زمان تشکیل غیرقانونی اسرائیل در ۷۸ درصد از سرزمین‌های فلسطین در سال ۱۹۴۸ برخی از رهبران اسرائیل تأسف می‌خوردند که چرا همه فلسطینی‌ها را اخراج نکرده اند و در بخش‌هایی که اسرائیل اشغال کرده بود هنوز ۱۵۰ هزار فلسطینی حضور داشتند. اکنون این تعداد به ۱.۸ میلیون نفر افزایش یافته که بالغ بر ۲۱ درصد از جمعیت اسرائیل را تشکیل می‌دهند. اسرائیلی‌ها آنها را به چشم ستون پنجم می‌بینند و با بیش از ۶۰ قانون میان خودشان و آنها تبعیض قایل می‌شوند. در طرح صلح ترامپ، شهرهای بزرگ فلسطین در داخل اسرائیل بخشی از «کشور فلسطین» خواهند شد. درباره این برنامه با هیچ فلسطینی در اسرائیل مشورت نشده و به نظر می‌رسد، مقامات اسرائیل از اینکه فلسطینیان از این طرح استقبال نکرده اند، متعجب شده اند.

این نگرش استعماری-که در آن اسرائیل و آمریکا تشخیص می‌دهند چه چیزی برای فلسطینی‌ها خوب است- دهه‌ها بدون چالش باقی مانده بود. در این مدت اغلب شنیده می‌شد، اسرائیلی‌ها به فکر برابری هستند و نماینده‌گان اتحادیه اروپا و سایر کشورها از این تقاضا پیروی می‌کنند. به ما گفته شد، ملزم کردن اسرائیل به رعایت قوانین بین‌الملل تا چه اندازه «غیرواقعی» است و حضور آمریکا برای تضمین توافق تا چه میزان «ضروری» است. موافقت با اعمال این نگرش استعماری منجر به این شد که فلسطینیان برای بیش از ۵ دهه برای تقریباً همه ضروریات و لذت‌های زنده‌گی‌شان باید از اسرائیل اجازه می‌گرفتند از جمله مواردی نظیر دیدن عزیزان، آموزش دیدن، دسترسی به مراقبت‌های پزشکی، ساختن خانه یا حتی دیدن دریا. این بی‌رحمانه است که فلسطینی‌ها مجبورند این استکبار استعماری را تحمل کنند فقط برای اینکه میل سیری ناپذیر اسرائیل به سرزمین فلسطین مهار شود.

منبع: گاردین

تکنالوژی

چرا شبکه‌های اجتماعی پروژه حذف لایک‌ها را کلید زده اند؟

کورینه پلاگا / مترجم: کوثر سلیمانی

کارن فلیشمن در حالی که دست‌هایش را در پشت و تکیه‌گاه سرش قرار داده با لبخند به دوربین نگاه می‌کند. دسته‌یی از رزهای رنگارنگ و جسم پراقی در کنار مبل‌ی که روی آن است به چشم می‌خورد و روی این تصویر علامتی از مارک عطر معروف که سازنده اسپانیایی دارد، حک شده است. به روز رسانی این عکس در صفحه اینستاگرام او با گرفتن بیش از ۴ هزار قلب، پاسخ دلگرم‌کننده‌یی است. کمپنی سازنده این عطر که در زوریخ مستقر است در اینستاگرام ۱۰۰,۰۰۰ کاربر دنبال کننده دارد. قلب اینستاگرام با نام لایک نیز شناخته می‌شود، برای افرادی مثل کارن که با اینستاگرام کسب درآمد می‌کنند و از این طریق بخشی از معیشت خود را به دست می‌آورند، حایز اهمیت است. این اهمیت فقط برای ستاره‌گان اینستاگرامی نیست؛ شرکت‌هایی که با اینفلوئنسرها همکاری می‌کنند ارزش بالایی برای دسترسی افراد به تعداد لایک‌ها قایل هستند و تعداد کاربران و تعامل گران در این جریان نقش تعیین‌کننده‌یی برای این شرکت‌ها بازی می‌کند. هرچه لایک بیشتر باشد، توجه و نگاه هم بیشتر است و هرچه توجه بیشتر باشد عرضه محصول به بازار ساده‌تر.

اما جدیداً خبری در حال باز نشر است که کاربران و اینفلوئنسرها را تا حد زیادی شوکه کرده است: «به‌زودی قرار است تعداد لایک‌ها در معرض دید عموم قرار نگیرد». پیشتر و در تابستان اینستاگرام این پروژه را در کانادا مورد آزمایش قرار داده بود و اخیراً به شش کشور دیگر از جمله ایتالیا، استرالیا، جاپان نیز رسیده؛ هنوز هیچ کشور آلمانی زبانی در این پروژه مشارکت نکرده است. در نمای جدید تنها شخص کاربر می‌تواند تعداد لایک‌هایش را ببیند و البته کامنت‌ها را. البته فیسبوک نیز به‌زودی می‌تواند «بدون لایک» شود.

به گزارش سایت خبری ایالات متحده که درباره استارت آپ‌ها و اخبار تکنولوژی گزارش تهیه می‌کند، نمونه‌های اولیه فیسبوک بدون لایک در حال بررسی هستند و این یعنی تجربه تست‌های اینستاگرام مثبت بوده است. لایک در اصل همان چیزی است که در سال ۲۰۰۹ توسط خود فیسبوک باب و در ادامه در سال ۲۰۱۶ امواج واکنشی بیشتر هم به این شبکه اجتماعی افزوده شد. با این وجود تغییرات برنامه‌ریزی شده در نمای لایک نیز می‌تواند میلیون‌ها کاربری را که سال‌ها به دیدن میزان محبوبیت یک عکس و فیلم یا همان لایک‌ها عادات داشتند آزار دهد. اما چرا شبکه‌های اجتماعی این قدم غیرمعمول را برداشته اند؟

مدیر اینستاگرام، آدام موسری، در مصاحبه با روزنامه فرانکفورت می‌گوید: «ما نمی‌خواهیم که اینستاگرام به صحنه‌یی برای رقابت...»

ادامه صفحه ۶

